



انترناسیونال

۲۰۸

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۶ شهریور ۱۳۸۶، ۷ سپتامبر ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

تجمع خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل دفتر سازمان ملل

سیاسی حضور داشتند، با اعتراض به افزایش فشار بر زندانیان سیاسی و تهدیداتی که
صفحه ۳

ملل در تهران تجمع کردند و خواهان ملاقات با کمیساریای سازمان ملل شدند. تجمع کنندگان که در میان آنها از جمله خانواده های منصور اسانلو،

گزارشهای دریافتی از تهران گویای اینست که تعداد زیادی از اعضای خانواده های زندانیان سیاسی بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۲ شهریور مقابل دفتر سازمان



ستون اول

حمید تقوایی

سخنرانی مینا احدی و آرزو توکر با استقبال گرم روبرو شد



زندانیان سیاسی در صف مقدم تعرض چپ در برابر سرکوب

سرود انترناسیونال، در خاوران گزارش تورج آزاده خبرنگار حزب کمونیست کارگری

صفحه ۳

دور تازه ای در مبارزه علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی آغاز شده است. فراخوان ۷ سپتامبر و تجمع اعتراضی امسال در گورستان خاوران طلایه های این دور تازه اند. مهمترین ویژگی این دوره قدم به میدان گذاشتن خود زندانیان سیاسی در این عرصه است. فراخوان ۷ سپتامبر از جانب ۲۶ نفر از زندانیان سیاسی و از درون سیاهچالهای رژیم داده شد و بدنبال این فراخوان بیش از ۵۰ نفر دیگر از زندانیان سیاسی علنا از این فراخوان حمایت کردند. در تجمع خاوران نیز فراخوان دهنده خود زندانیان سیاسی بودند.

قبل از هر چیز نفس این فراخوانها و مستقل از اینکه تا چه حد جواب میگیرند نشانه اینست که حکومت علیرغم موج جدید سرکوبی که آغاز کرده توانسته است جامعه را مرعوب کند و به تمکین بکشانند. وقتی زندانیان سیاسی که اسیر و در بند دژخیمان حاکم اند، و قاعدتا باید اولین قشری از جامعه باشند که از اعدامهای علنی و بگیر و ببندها جا بزنند، علنا و با اسم و رسم از درون زندانها به مردم ایران و به جهانیان فراخوان اعتراض و مبارزه علیه اعدام میدهند در واقع دارند شکست

صفحه ۲

اپوزیسیون در آزمون

فراخوان زندانیان سیاسی و سکوت اپوزیسیون



خلیل کیوان

از زندانیان سیاسی از زندان های

صفحه ۳

۹ روز از انتشار فراخوان زندانیان سیاسی که بعضا محکوم به اعدام هستند، میگذرد. ۲۶ نفر از زندانیان سیاسی از زندان های تهران، اصفهان، بندرعباس، اهواز، سنندج، ارومیه و...، از همه مردم در سراسر جهان خواسته اند که به هر شکل میتوانند، علیه احکام اعدام و موج اعدام های اخیر دست به اقدام بزنند. آنها ۱۶ شهریور برابر با هفتم سپتامبر را برای يك اقدام جهانی نیز تعیین کرده اند. امروز نیز تعداد دیگری

فیلمبرداری کرد و با دست اندرکاران کنفرانس مصاحبه کرد. دو هفته قبل از برگزاری این جلسه، مینا احدی و آرزو توکر در يك کنفرانس مطبوعاتی در شهر دوسلدرف و در حضور نمایندگان چندین شبکه خبری در مورد این کنفرانس و اهداف آن صحبت کرده و به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. انعکاس این کنفرانس مطبوعاتی در چندین روزنامه چاپ دوسلدرف و شهرهای اطراف، باعث جلب توجه بسیاری به این جلسه و راه افتادن مباحثی در مورد این جلسه شد.

صفحه ۵

روز جمعه ۳۱ ماه اوت، به دعوت شورای مرکزی اکس مسلم در شهر دوسلدرف آلمان، کنفرانسی در مورد فعالیتهای سازمان اکس مسلم و اهداف آتی آن برگزار شد. در این کنفرانس که با فعالیت پرشور فعالین این نهاد در شهر دوسلدرف و همکاری نزدیک سازمان کمک به پناهندگان و مهاجرین این شهر تشکیل شد، تعداد زیادی از فعالین مدافع حقوق انسانی، مسئولین نهادهای فرهنگی و دست اندرکاران در مدارس و فعالیتهای اجتماعی حضور داشتند. همچنین از هلند يك شبکه خبرنگار از تلویزیون سراسری هلند از این جلسه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام همبستگی و حمایت از زندانیان سیاسی! آنها میخواهند زنده بمانند و آزاد زندگی کنند! زندانیان سیاسی را تنها نگذاریم!

سیاست ارباب، و ناتوانی و استیصال حکومت در ترساندن و به تمکین کشیدن جامعه را اعلام میکنند. این پیشتازی در مقابله با هجوم حکومت و آنهم به ابتکار و همت خود زندانیان یک نقطه قوت جنبش علیه اعدام و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است که میتوان انتظار داشت و باید کوشید نمونه و الگوی اعتراضات بخش های دیگر مردم و بویژه با باز شدن مدارس و دانشگاهها، الگوی مبارزه دانشجویان و معلمان قرار بگیرد.

خصوصیت دیگر این دور تازه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مقابله با اعدامها مضمون رادیکال و انسانی و عبارات دقیقتر جامعیت و پیگیری آن در دفاع بی قید و شرط از زندانیان سیاسی و مخالفت پایه ای با نفس حکم اعدام است. اعتراض و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مدتها، از دوران خاتمی و برویابی دو خردادها و حتی از قبل از آن در جامعه جریان داشته است. اما تا زمانی که دو خردادها و خط ملی-اسلامی در این جنبش نفوذ داشتند هزار و یک تبصره و قید و شرط به تعریف زندانی سیاسی و خواست آزادی او بسته میشد. در نزد نیروهای ملی مذهبی زندانی سیاسی تنها وقتی قابل دفاع است که سرنگونی طلب نباشد، علیه حکومت "توطئه" نکرده باشد، از چهارچوب قانون خارج نشده باشد، اعتراض صرفا صنفی باشد و نه سیاسی، و خلاصه اینکه متعلق به جنبش استحاله و تسامح و تساهل ملی - اسلامیون و از "خودیهها" باشد. به زعم اینان هر کس اعتراض سیاسی داشته باشد و علیه حکومت و نظام جمهوری اسلامی حرفی زده باشد و فعالیتی کرده باشد مستحق زندان و حتی اعدام است. طبعاً این "اسلام دگر اندیش" نه تنها علیه اعدام و سنگسار و قوانین قصاص اسلامی نیز اصولاً حرفی برای گفتن نداشت بلکه خود حد اکثر با تبصره و "اصلاحاتی" بر این نوع احکام و قوانین اسلامی مهر تایید میزد.

دوران رونق این خط "دفاع از حکومت در لباس اپوزیسیون" مدتهاست سپری شده است. امروز جنبش اعتراضی برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه علیه اعدام نیز، همانند کل جامعه و اعتراض و مبارزه در هر عرصه دیگر، از دو خرداد و کلا خط سازش و مدارا با جانیان حاکم عبور کرده است. اکنون این خط اعتراض ریشه ای علیه کلیت حکومت و نظام موجود، و پرچم چپ و اعتراض سوسیالیستی به کل نظام حاکم است که در عرصه مبارزه علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی دست بالا را دارد. همچنانکه در جنبش کارگری، در جنبش دانشجویی، در دفاع از حقوق آپاراتی جنسی، در دفاع از حقوق کودکان، و کلا هر جا اعتراض و مبارزه ای هست، حضور و نفوذ شعارها و سیاستها رادیکال چپ و نقد و اعتراض سوسیالیستی به نظام موجود بروشنی قابل مشاهده است.

تا آنجا که به عرصه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مربوط میشود دفاع از همه زندانیان سیاسی، و خواستار شدن آزادی بی قید و شرط همه کسانی که بخاطر اعتراض و مخالفت با حکومت و نظام حاکم دستگیر و زندانی شده اند نقطه عزیمت و خواست اصلی این جنبش است. در عرصه مبارزه علیه اعدام نیز نه صرفاً اعتراض به این یا آن حکم مشخص اعدام، بلکه مبارزه علیه نفس مجازات اعدام به عنوان قتل عمد دولتی، و خواست ممنوعیت اعدام به هر شکل و در هر شرایطی خواست و هدف جنبش علیه اعدام است. مقابله با اعدامها نیز شرط و شروط بر نمیدارد. مجازات اعدام، به هر شکل و به هر علتی، باید ملغی شود، همانطور که در فراخوان زندانیان سیاسی اعلام شده "اعدام ناعادلانه است و باید بهر طریق ممکن در ایران و دنیا ممنوع شود".

تنها این نوع مبارزه انسانی و جامع و ریشه ای علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی، که بقول جمعی از کارگران جنوب در اعلام حمایتشان از ۷ سپتامبر "میخواهند زنده بمانند و آزاد زندگی کنند"، میتواند در جامعه نیرو جمع کند و در ایران و در جهان مردم آزادیخواه را در حمایت از خود بسیج کند و میدان بیاورد.

طنین صدای استمداد زندانیان سیاسی حصار زندانهای مخوف جمهوری اسلامی را در نوردیده است. زندانیان سیاسی با شنیدن اخبار موج وسیع اعدام ها نگران سرنوشت خود هستند. آنها روزها و شب های سختی را میگذرانند. زندانیان سیاسی از تمامی انسانهای آزادیخواه و سازمان های مدافع حقوق بشر در سراسر جهان درخواست نموده اند که برای توقف و لغو هر چه سریعتر احکام اعدام و همچنین پایان دادن به فشار و شکنجه، روز جمعه ۱۶ شهریور (۷ سپتامبر ۲۰۰۷) در یک اقدام جهانی از هر طریق ممکن به جمهوری اسلامی اعتراض کنند.

ما همصدا با زندانیان سیاسی و انسانهای شریف و آزادیخواه سراسر جهان خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و توقف صدور و اجرای احکام زندان، شکنجه و اعدام در ایران و سراسر جهان هستیم.

باید به نگرانی زندانیان سیاسی و خانواده آنها پایان داد. آزادی بیان و حق داشتن تشکل مستقل از دولت و آزادیهای سیاسی از حقوق مسلم ما کارگران و همه مردم آزادیخواه است و باید برسیم شناخته شود. هم اکنون تعداد زیادی از فعالین کارگری در زندان بسر میبرند و یا در انتظار اجرای احکام زندان و شلاق هستند. جرم آنها دفاع از حقوق کارگران و شرکت در اعتصابات و اعتراضات کارگری و بر پائی مراسم گرامیداشت روز

حکومت در مقابل عرض اندام و نفوذ سیاستها و شعارهای چپ در جامعه است. این به اهتزاز در آمدن پرچم آزادی و برابری و "سوسیالیسم یا بربریت" و "تغییر نظام وارونه موجود" و "برخاستن سوسیالیسم برای رفع تبعیض" و "طنین سرود انترناسیونال در گردهمایی های

جهانی کارگر و سازمان دادن تشکل های مستقل از دولت و کارفرما است. باید به این موج سرکوب، شکنجه و اعدام و تعقیب و آزار فعالین جنبش کارگری و دانشجویی و آزادی و برابری زنان فوراً پایان داده شود.

باید با اعتراض هر چه وسیعتر جهانی در حمایت از فراخوان زندانیان سیاسی اسیر و در بند نظام توحش و بربریت اسلامی یکبار دیگر با صدای رسا اعلام کنیم که دیگر اعدام بس است. تحقیر و استعمار و شرمندگی بس است. ما یک زندگی انسانی و شرافتمندانه میخواهیم. این حق ماست که به این شرایط جهانی اعتراض کنیم. این حق ماست که بگوئیم و بنویسیم که ما جنگ نمیخواهیم. ما بمب نمیخواهیم. بساط زندان و شکنجه را بر چینید. ما حق داریم که فریاد بنزیم کرامت و منزلت انسانی ما را بیش از این لگد مال نکنید. ما حق داریم که اعلام کنیم دستمزد هایمان نا چیز است، گرانی بیداد میکند، هزینه های مواد غذایی و مسکن و دارو و درمان سر سام آور شده است. ما حق داریم که خواهان بر چیده شدن شرایط پادگانی در محیط های کار و تحصیل و خیابانها شویم. ما حق داریم که حجاب اجباری نخواهیم. ما حق داریم که کار کنیم و از رفاه و یک زندگی شاد و امن برای خود و فرزندانمان بر خوردار باشیم. ما حق داریم که در صورت اخراج و بیکاری از بیمه بیکاری مکفی بر خوردار

باشیم. نمیتوان با زندان و شکنجه و اعدام به این وضع ادامه داد. بساط زندان و شکنجه را بر چینید. حکم ما برای خلاصی از شر این شرایط جهانی، سرنگونی جمهوری اسلامی است. نسل کشی است. قتل عمد دولتی است. محروم ساختن انسانها از حق زندگی است. ما زندانیان سیاسی را تنها نمی گذاریم. ما از حق آزادی بیقید و شرط آنها دفاع میکنیم. ما صدای حق طلبی آنان را در هر کوی و برزن فریاد میزنیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی طبقاتی کارگران!
زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
هر چه گسترده تر باد اقدام جهانی علیه اعدام!

جمعی از:
کارگران شرکت کشت و صنعت کارون شوشر
کارگران شرکت کشت و صنعت شعیبیه شوشر
کارگران شرکت کاغذ سازی کارون شوشر
کارگران نیشکر هفت تپه
کارگران نورد و لوله اهواز
کارگران صنایع فولاد اهواز
پنجشنبه ۱۵ شهریور
۱۳۸۶ (۶ سپتامبر ۲۰۰۷)

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جهانی ۷ سپتامبر تنها گامهای اولیه در عرض اندام چپ در مقابل تهاجم حکومت است. حزب ما با تمام قوا و امکانات خود میکوشد این تعرض چپ هر چه قویتر و موثرتر ادامه پیدا کند و به پیش برود. *

اعتراضی مردم است که رژیم را به این صورت به تقلا واداشته و وادارش کرده است که مانند حیوان به تله افتاده چنگ و دندان نشان بدهد و به هر چیز حمله کند. پاسخ این حمله را نیز از یک موضع رادیکال و چپ میتوان داد و آنرا خنثی کرد و به عقب نشاند. تجمع خاوران و اقدام

در پاسخ به گردانندگان سایت "سلام دمکرات" چه چیزی جعل است؟ فراخوان زندانیان سیاسی یا اپوزیسیون بودن شما؟

خلیل کیوان

گردانندگان سایت "سلام دمکرات" اطلاعاتی در پاسخ به نوشته من تحت عنوان "اپوزیسیون در آزمون، فراخوان زندانیان سیاسی و سکوت اپوزیسیون" منتشر کرده است. آنها در این اطلاعیه به افشاگری از حزب کمونیست کارگری ایران پرداخته اند و علیه فراخوان زندانیان سیاسی و اقدام جهانی ۷ سپتامبر سنگر گرفته اند. منتقدین ما، صاف و پوست کنده فراخوان ۲۶ زندانی سیاسی را که

متعاقبا با انتشار دو لیست حمایتی دیگر از جانب ۱۷ و ۳۴ نفر دیگر از زندانیان به ۷۷ نفر افزایش یافت را، جعل خوانده اند. جلدان حکومت دارند اعدام میکنند که فضای رعب ایجاد کنند، گردانندگان سایت "سلام دمکرات" هم یادشان افتاده است علیه فرد اعدامی و علیه حزبی که در سطح جهانی به استقبال فراخوان زندانیان سیاسی رفت، افشاگری کنند! چه رشادت! چه احساس مسئولیتی

واضح است که هیچکدام از دلایل فوق توجیه کننده سکوت آنها نخواهد بود. کسی هم چنین توجیهاتی را از آنها نخواهد پذیرفت. پاسخ آنها هر چه باشد، زندانیان سیاسی، خانواده ها و بستگان آنان و مردم عاصی که به سرنوشت این نبرد چشم دوخته اند را، قانع نخواهد کرد. احزاب و سازمانهای اپوزیسیون در یک آزمون مهم قرار گرفته اند. تا همینجا کارنامه خوبی از خود بجا نگذاشته اند. چند روزی به هفتم سپتامبر باقی است. شاید هنوز باید امیدوار باشیم. آیا سکوت را خواهند شکست؟ فراخوان زندانیان را منتشر خواهند کرد؟ از فراخوان زندانیان به هر صورت که خود مناسب میدانند، پشتیبانی خواهند کرد؟ شاید بخود بیایند.*

Khalil_keyvan@yahoo.se

شوق خاصی بر آن حاکم بود. مراسم از ساعت ۹ و ربع صبح با سخنرانی مادر یکی از جانب‌باختگان شروع شد. بعد یک دقیقه سکوت اعلام شد. سپس دو نفر از مادران صحبت کردند. خواهران و همسران و وابستگان جانب‌باختگان صحبت‌ها و شعرهای بسیار تند و انقلابی خواندند. یکی از مامور انتظامی مجدداً در وسط مراسم آمد و محترمانه تذکر داد که مراسم را پایان دهید، اما مراسم با شور هرچه تمامتر ادامه یافت. برنامه‌های این روز با خواندن سرود انترناسیونال و سرودهای دیگر همراه بود. در سخنرانی‌ها و بیانیتهای دانشجویان و شعرها و در بحث‌ها از کمونیسم از سوسیالیسم و از جنایات

اپوزیسیون در آزمون

از صفحه ۱

مختلف، از این حرکت حمایت کردند. اما در این میان عکس العمل اپوزیسیون قابل تعمق است. تا امروز فقط حزب کمونیست کارگری که فوراً عکس العمل نشان داد و فعالیت گسترده‌ای را در دستور گذاشت و معدودی که لفظاً حمایت کرده اند، اکثراً سکوت کرده اند. نه به این فراخوان پاسخ داده اند، نه اقدامی در دستور گذاشته اند، نه قرار است در تظاهراتی شرکت کنند و نه حتی زحمت درج بیانیتهای زندانیان در سایت شان را بخود هموار کرده اند و یا آنرا در نشریه و رسانه ای که دارند، منعکس کرده اند. فقط سکوت و سانسور!

از راست انتظاری نیست. به سازمان‌های راست و رضا پهلوی و داریوش همایون حرجی نیست، اما

سرود انترناسیونال، در خاوران

گزارش توریج آزاده خبرنگار حزب کمونیست کارگری

از مراسم خاوران جمعه ۹ شهریور ۱۳۸۶ (۲۱ اوت ۲۰۰۷)

از ساعت هشت و نیم امروز صبح جمعه برای شرکت در مراسم خاوران به محل رفته بودم. قبل از ما نیز تعدادی آنجا حضور داشتند. تعداد زیادی مامور نیروی انتظامی و لباس شخصی طبق معمول به محل آمده بودند. در مسیر ورودی به خاوران یک کانال بزرگی برای گاز کنده بودند و پل چوبی روی آن را نیز برداشته بودند تا مانع ورود جمعیت به مزار جانب‌باختگان شوند. با تمام این تدابیر پلیسی جمعیتی حدود هزار نفر در

باید فعالتر اقدام کنیم به: حمایت کنندگان حرکت سپتامبر

به: ۱۶۹ نهاد فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای و فعالین سیاسی که طومار علیه اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی و در حمایت از فراخوان زندانیان به اقدام جهانی در ۱۶ شهریور (۷ سپتامبر) امضا کرده اند.

دوستان عزیز، فراخوان اول سپتامبر شما در حمایت از فراخوان زندانیان سیاسی و اقدام جهانی ۷ سپتامبر (۱۶ آذر) موجب تقویت این فراخوان و دلگرمی فراخوان دهندگان این حرکت است. چنانچه مطلع هستید زندانیان سیاسی مردم را در سطح جهانی به حرکتی در روز ۷ سپتامبر فراخوان داده اند. طومار و اعلام حمایت شما بخشی از پاسخ به این فراخوان است اما بنظر ما باید

با احترام،
دیر تشکلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
خلیل کیوان
۴ سپتامبر ۲۰۰۷
رونوشت سایت‌های خبری

از صفحه ۱ تجمع خانواده‌های ...

در ایران و در گوشه و کنار جهان است. تهاجم به تجمع خانواده‌هایی که عزیزانشان در سیاهچالهای این حکومت اسیر هستند، باید بطور جدی و وسیع مورد اعتراض همه سازمانهای انسان دوست قرار گیرد. این حکومت را با گسترش اعتراضات میتوانیم و باید عقب برانیم. خواست آزادی همه زندانیان سیاسی از شکنجه‌گاههای حکومت، خواست همه مردم است و باید در همه جا آنرا با صدای رسا اعلام کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ شهریور ۸۶ - ۳ سپتامبر ۲۰۰۷

چند سال اخیر بود. در مراسم بیانیتهای بسیار خوبی در محکومیت سیاست‌های جنایتکارانه رژیم اسلامی توسط یکی از دانشجویان قرائت گردید. در این بیانیه در باره آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام و زندان صحبت شده بود.

مراسم ساعت یک ربع به ۱۱ صبح با خواندن سرود انترناسیونال و مشت‌های گره کرده به پایان رسید.

بلای سر آنها قرار داده شده، خواهان ملاقات با "لوئیس آربور" کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل بودند و اینکه هیئتی از ۹ سازمان ملل از زندانهای سیاسی بازدید کند. ساعت پنج بعد از ظهر نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی به این تجمع حمله کردند و تعدادی را دستگیر کردند و خانواده‌های زندانیان سیاسی را در مقابل چشم کارکنان و مقامات سازمان ملل مورد خشونت و توهین قرار دادند. با اعتراض و فشار تجمع کنندگان، سرکوبگران جمهوری اسلامی ناچار به آزاد کردن دستگیر شدگان شدند.

حکومت اسلامی آشکارا پامال کننده ابتدایی‌ترین حقوق انسانی است و مورد نفرت همه مردم شریف حکومت و همه چیز صحبت شد و کشتار زندانیان در طول سال ۶۰ و ۶۷ شدیداً محکوم شد. در بیانیه‌هایی که خوانده شد لغو مجازات اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی آمده بود. در مراسم فراخوان زندانیان سیاسی برای اقدام جهانی در هفت سپتامبر در میان جمعیت توزیع شد. مراسم امسال علیرغم فضای رعبی که رژیم تلاش دارد حاکم کند، بهترین و چپ‌ترین مراسم

از میان نامه ها و سؤالات

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

این متن را ناصر احمدی
پیاده و تایپ کرده است

کارگر و جنبش کارگری را چگونه تعریف میکنید؟ ضعفهای جنبش کارگری کدامست؟

نازنین برومند: من دوتا سئوال داشتم، یکی اینکه شما کارگر و جنبش کارگری را چگونه تعریف میکنید؟ اعتراضات و مبارزات معلمان را هم جزو جنبش کارگری میخوانید و بهمین ترتیب در مورد شرکت واحد هم میگوئید کارگران شرکت واحد. در تخیل و تفکر چپ سنتی کارگر همیشه به کسی گفته میشود که یا پشت ماشین مایستد و کار میکند و یا در روی زمین کار میکند و مابقی کارکنان کارمندان حساب میشوند. شما اگر بطور خلاصه توضیح روشن تری بدهید که کارگر و جنبش کارگری چیست و چه کسانی در پیشروی این جنبش سهم دارند خیلی خوب میشود، و اگر معلمین و غیره هم جزو این جنبش هستند توضیح بدهید که چرا همه اینها را جزو جنبش کارگری میدانید و کارگر خطاب میکنید؟ آیا یک معلم بخودش میگوید کارگر؟ یا نه؟ اساسا چرا شما قشری از جامعه را با این اسم خطاب میکنید؟

دومین سئوال هم مربوط به ضعفهای جنبش کارگری است که این ضعفها چی هستند و حزب کمونیست کارگری چه وظایفی را در برطرف کردن این ضعفها در مقابل خود قرار داده است؟ اگر یک مقدار بیشتر توضیح بدهید که اولاً این ضعفها کدامند و دوماً حزب ما در برطرف کردن این ضعفها چه برنامه ای پیش رو دارد و چه کارهایی باید بکند؟ و رهبران و فعالین کارگری در برطرف کردن این ضعفها، و در نهایت برای کنار زدن این موانع و برای پیروزی نهایی چه اقداماتی باید بکنند؟ من پیروزی را در این میبینیم که باید کارگران ببینند و این سیستم را و این دنیای وارونه را زیرورو بکنند و نهایتاً یک جمهوری سوسیالیستی برقرار کنند. پس بخصوص در ایران چه موانعی پیش پای این پیروزیست و حزب و رهبران کارگری چه باید بکنند؟

حمید تقوایی: بله، سئوال شما جنبه های متفاوتی داشت که امیدوارم بتوانم به همه شان جواب بدهم. در جواب سئوال اول میگویم بله، کارگر شرکت واحد و معلم هر دو

جزو طبقه کارگر هستند و این خیلی روشن است و هرکسی که دو دوتا چهارتای مکان انسان در تولید سرمایه داری را بداند میفهمد که کارگر شرکت واحد کارگر است. راننده اتوبوس کارگر است به این معنی که کار مفیدی انجام میدهد و صاحب اتوبوسی که میراند و یا مغازه و هیچ مایملکی که در آمدی از آن کسب کند نیست و هیچ رنت و بهره ای هم نمیخورد بلکه صرفاً نیروی خود را بکار میاندازد و کار میکند و مزد میگیرد و بنابراین استثمار میشود. معلم هم همینطور است، کار مفیدی انجام میدهد و صاحب هیچ چیزی هم نیست، نه مغازه ای دارد و نه سرمایه ای دارد و لذا سودی هم نمیبرد، نه در خرید و فروش چیزی دخیل است و نه نفعی و سهمی در سرمایه ای دارد بلکه تنها چیزی که میفروشد روزانه ۷۸ ساعت نیروی کارش است و بابت آنهم مزد یا حقوق میگیرد. اگر در قوانین و در جامعه به معلم میگویند کارمند و نه کارگر، این دیگر جنبه فرمال و حقوقی قضیه است. اما بطور عینی و اقتصادی در جامعه سرمایه داری معلم بخشی از طبقه کارگر است.

اینکه میگوئید چه تعریفی از کارگر داریم، بنظرم تعریف ساده و روشنش همین است که هر کس کار مفیدی در جامعه انجام میدهد و صاحب هیچ وسیله تولیدی و ممر درآمدی جز نیروی کارش نیست. کسی که از قبل نیروی کارش زندگی میکند، صرفاً نیروی کارش را بکار میاندازد و درقبالش دستمزد دریافت میکند جزو طبقه کارگر محسوب میشود.

و اما در مورد سئوالهای بعدی شما که ضعفهای جنبش کارگری و نقش فعالین کارگری و حزب ما در برطرف کردنشان چیست، من سعی میکنم به همه اینها یکجا جواب بدهم بخاطر اینکه خیلی بهم مربوطند. ضعفهای جنبش کارگری را من به دو دسته ذهنی و عینی تقسیم میکنم، منظور از ذهنی همان فکری نیست بلکه عوامل ذهنی ای هستند که ناشی از جریانات سیاسی و طرز تفکر و

سنتها و طرز تلقی کارگران و فعالین عملی از خودشان و از مکان طبقاتی و از مبارزه طبقاتی است. این ضعفها غالباً به سنتهای قدیمی و نحوه های سنتی مبارزه مربوطند که هنوز نشکسته اند و کارگران هنوز یا اینها را هنوز نمیبینند و یا خوب و همه جانبه نمیبینند و در نتیجه همچنان با آن سبک کار و با طرز فکر قدیمی و با محافل سنتی خود کار میکنند. یکی از بروزات این ضعفها سیاست گریزی و حزب گریزی است، و یا در هر اعتراضی به موضع تدافعی اقتادان و فرو رفتن به قالب صنفی. به طوریکه هرگاه سران رژیم میخواهند مبارزه و اعتصاب کارگری را عقب برانند و درهم بشکنند به زعم خودشان به آنها "انگ" مبارزه سیاسی و "اتهام" سیاسی بودن میزنند و اغلب هم کارگران در جواب این اتهام ها اینجور دفاع میکنند که میگویند "مبارزه ما صنفی است و سیاسی نیست!" و یا میگویند "ما با هیچ حزبی نیستیم!". من اینها را میگویم ضعفهای ذهنی جنبش کارگری، یعنی ضعفهایی که عمدتاً به طرز تلقی کارگران از سیاست و از مبارزه و از تشکل کارگری مربوط میشود، و از تشکل کلی طرز تلقی است که از مکان و جایگاه طبقاتی خودشان و از جنبش کارگری دارند، و بیشتر خود را یک صنف می بینند تا یک طبقه اجتماعی. این بحث مفصلی است که باید در فرصتهای دیگر بیشتر در این باره نوشت و گفت. در هر حال این یک بخش از ضعفهاست.

بخش دیگر ضعفهای جنبش کارگری عینی هستند، و اگرچه این دو بخش بهم مربوطند ولی بهر حال آنها را میشود چنین دسته بندی و تقسیم بندی کرد. نداشتن تشکل توده ای از این جمله ضعفهای عینی است که گرچه تازه دارد جوانه هایی از آن دیده میشود، اما هنوز هم جوانه ها رشد نکرده اند بلکه صرفاً تشکل فعالین کارگری حساب میشوند. البته خود همین تشکل فعالین بسهم خود یک گام بزرگ به پیش حساب میشود که رهبران عملی می آیند جلو صحنه مبارزه و

تشکل و نهادهایی را بطور علنی اعلام میکنند منتهی روشن است که هنوز جای تشکل توده ای را پر نمیکنند. در واقع ما هنوز مجمع عمومی منظم و شوراهای کارگری واقعی و اتحادیه های کارگری نداریم، که خود این هم یک ضعف اساسی و عینی جنبش کارگری است که باید به آن فائق آییم. البته همین نکته ضعف ناشی از شرایط عمومی سیاسی جامعه است منتهی این شرایط امروزه دیگر عوض شده است و بنظر من اگر فعالین جنبش کارگری به دسته اول ضعفها یعنی ضعفهای ذهنی ای نظیر صنفی گرایی و سیاست و حزب گریزی و غیره که در اول صحبت اشاره کردم فائق بیایند طبعاً ضعفهای عینی نظیر فقدان تشکلهای توده ای نیز با سهولت و سرعت بسیار بیشتری بر طرف خواهد شد.

اینجاست که وظایف حزب ما هم روشن میشود. ما با تمام قوا سعی میکنیم آن تصویری را که در اول جلسه مربوط به جنبش کارگری بطور خلاصه ارائه دادم، و در کنگره ششم حزب نیز بطور مفصل به آن پرداخته بودم که در قطعنامه مربوط به جنبش کارگری هم منعکس شده است در برابر فعالین کارگری قرار دهیم و یاریشان کنیم که بخوبی بتوانند یک تصویر روشن و واقعی از جایگاه مبارزه و مکان طبقاتی کارگر داشته باشند، این واقعیت را بخوبی بشناسند و بشناسانند و این خصوصیات سیاسی جنبش کارگری را بهتر ببینند، و به سبک فعالیت علنی و اجتماعی و مدرن بیشتر روی بیاورند. بویژه باید تلاش کنیم که محدودنگریها و گرایشات بازدارنده ای چون کارگر را تا حد یک صنف تنزل دادن و منحصر دیدن جنبش کارگری به مبارزه صنفی، نقد و کنار زده شود. فعالین کارگری باید محکم بایستند و خواسته های سیاسی و شعارهای سیاسی خود را طرح بکنند.

این یک جنبه از برطرف کردن موانع و ضعفها است، و اما جنبه دیگر هم اینست که هنوز حزب گریزی وجود دارد، هم در بدنه و توده

کارگران و هم در فعالین کارگری، و حتی در چپ هایشان هم هنوز این حزب گریزی را میبینیم که حتماً باید در برابر چنین گرایشاتی ایستاد و بر آنها فائق آمد.

و اما یک نکته دیگری هم که در بحث امروز به آن اشاره نکردم ولی در کنگره شرح داده بودم و در قطعنامه هم انعکاس یافته است اینست که در جنبش کارگری گرایشات انحرافی وجود دارد که ممکن است ظاهراً سندیکالیستی و اکونومیستی و غیره باشد ولی منشأ واقعی آنها این نیست بلکه در واقع ناشی از تاثیر جنبش های سیاسی غیر کارگری در جنبش کارگری است. این جنبشها یا خواهان حفظ جمهوری اسلامی با تغییراتی در آن هستند و یا حتی اگر نوعی سرنوشتی طلب باشند در نهایت خواهان حفظ نظام سرمایه داری هستند یعنی

از نظر سیاسی یک رابطه نهایتاً حمایت آمیز با حکومت و با بورژوازی برقرار میکنند. نیروها و احزاب متعلق به این جنبشهای غیر کارگری حتی ممکن است به خودشان چه هم بگویند، اما بهر حال ربطی به جنبش کارگری و منافع اقتصادی و سیاسی کارگران ندارند. نیروها و فعالین این جنبشهای راست و بورژوازی هستند که گرایشات ضد کارگری نظیر حزب گریزی و صنفی گری را در میان کارگران تئوریزه کرده اند. مثلاً تحت این نام که میگویند این خود کارگر است که باید مبارزه کند، و یا این خود کارگر است که باید قدرت و حکومت را بدست گیرد! گویا حزب کارگری از خود طبقه کارگر نیست، و یا گویا کارگر میتواند بدون حزب و بدون حضور در عرصه مبارزه سیاسی مستقیماً از مبارزات اقتصادی روزمره به قدرت سیاسی بجهد!

این گرایش را در غرب ممکن است آنارکوسندیکالیسم یا سندیکالیسم و یا اکونومیسم بنامیم ولی در جنبش کارگری ایران بویژه در اوضاع امروزه که نگاه بکنیم ریشه اش اینها نیست بلکه یک خط سیاسی معینی وجود دارد که قبلاً

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

گرایش کارگر کارگری نامیده میشد، و امروز این گرایش هانطور که گفتم نتیجه مستقیم جنبشهای سیاسی راست نظیر جنبش ملی-اسلامی در جنبش کارگری است. این همان خط استحاله و تغییرات تدریجی و قانونگرانی نوع دوزخدادی است که از طریق فعالینی که به خودشان چپ میگویند و کمونیست میگویند به درون جنبش کارگری نفوذ میکند. بعنوان نمونه اساسا قانون گرای به معنی محدود ماندن در حصار قوانین و فراتر رفتن از چارچوب اعتراض و مبارزه قانونی که امروز بروزاتش را در جنبش کارگری می بینیم مشخصا از نوع نافرمانی مدنی اپوزیسیون راست حکومت است، و آن را باید از قانون گرای سندیکائی که در جنبش کارگری غرب جا افتاده است مجزا کرد و فرقتان را شناخت. میخوام بگویم که مسائل و موانع و گرایشات موجود در جنبش کارگری عموما گرایشاتی سیاسی اند و بالطبع از جنبش طبقات دیگر به درون جنبش

کارگری راه یافته اند، و نه ناشی از گرایشات بازدارنده سنتی در جنبش کارگری از آن نوعی که در غرب در شکل گرایشات سندیکالیستی و آثارگو سندیکالیستی میبینیم. اینها همه نکات مهمی هستند که حزب ما در مقابله با آنها نقش اساسی بعهد داشته و دارد. بنابراین اگر در آخر بخوام بطور خلاصه به سؤالات شما پا سخ دهم و به وظایف حزب اشاره کنم اینست که حزب با معرفی و روشن کردن این موانع باید زمینه ای ایجاد کند تا فعالین کارگری هرچه عمیق تر این موانع ذهنی جنبش کارگری را بشناسند و با همت و تلاشی نوین بتوانند از پیش پای جنبش کارگری برویند و کنار بزنند. همچنین حزب ما باید تصویر عینی و واقعی از نقطه قوتهای جنبش کارگری را معرفی کند و در برابر چشمان رهبران کارگری و فعالین عملی قرار دهد و سعی کند تا در این رابطه هم بتواند به مسئله تشکل و به عدم برخورداری از تشکل توده ای فائق آیند که در قطنامه

کنگره ششم هم بعنوان مجامع عمومی منظم و شوراهای کارگری مطرح شده است. بهرحال اینها رؤس وظایف حزب ماست و من در این فرصت کوتاه به همین قدر توضیح اکتفا میکنم ولی جا دارد که در سلسله بحثها و نوشته های دیگر به آن بطور مفصل پرداخت. من فکر میکنم که جنبش کارگری در آستانه دور جدیدی قرار گرفته است و حزب ما هم در این دوره جدید تمام تلاش خود را بکار بسته تا فعالین کارگری بتوانند پا جلو بگذارند، و کلا جنبش کارگری هرچه صریح تر و علنی تر و سیاسی تر بتواند مبارزه اش را توده ای کند. و اساسا از نظر امنیتی هم شرایط درم کوبیدن اختناق همین است، ادامه دادن به هر نوع محفل گرای و صنفی گرائی دیگر بهیچوجه مجاز نیست، و اختناق هم در آن درجه نیست که دیگر ماندن در شیوه های قدیمی را توجیه کند بلکه با قدرت تمام باید آن ارث و میراثی که از دوران اختناق باقی مانده است کنار زد و بدور انداخت. *

اختناق و ضعفهای جنبش کارگری

حمید هادیان: حمید تقوایی، شما به نبود تشکلات توده ای بعنوان ضعف جنبش کارگری اشاره کردید ولی به ریشه اصلی این ضعف که شرایط اختناق و دیکتاتوری بود اشاره نکردید. میدانم که در این مورد هم بحث داریم، یعنی اینکه نداشتن تشکلهای توده ای تماما به وجود خفقان و شرایط اختناق چندین ساله خلاصه نمیشود، امیدوارم به این بخش از مسئله مربوط به ضعف جنبش کارگری هم اشاره کنید و برایمان توضیح دهید.

حمید تقوایی: بله این روشن است که ریشه اساسی این ضعف یعنی نبودن تشکلات توده ای کارگری در اختناق چندین دهه ای است که بورژوازی بر جامعه تحمیل کرده است، منتهی زمانی که میگویم ریشه اصلی دیکتاتوری و اختناق است همین قضیه هم خودش را در اشکال مختلف نشان میدهد و یکی از آن جنبه هایی که بخصوص باید مورد نقد ما قرار گیرد و کنار زده شود اینست که خود همین نکته به باور کارگران تبدیل شده است که فکر میکنند که بخاطر شرایط اختناق

تشکل های توده ای کارگری را بگوید. مسئله این است که جنبش کارگری باید آن پوسته قدیمی را بترکاند. آن شیوه ها و روشهایی که ناشی از دوره خفقان و اختناق بوده و ادامه یافته است و به سنت کارگری تبدیل شده است اکنون دیگر بعنوان موانعی جلوی راه مبارزه عمل میکنند و به دست و پای فعالین کارگری پیچیده اند. طبعاً باید این گره ها را از دست و پای جنبش کارگری باز کرد و کنار زد. بویژه فعالین جنبش کارگری باید اهمیت و جایگاه مبارزه سیاسی و علنی را ببینند و برسمیت بشناسند، و باید این واقعیت و این حقیقت را خوب ببینند که توازن قوا به آن اندازه تغییر یافته است که کارگران بتوانند در کارخانجات و محلهای کار مجامع عمومی منظم خود را برپا کنند و در بسیاری از مراکز صنعتی بزرگ و کارخانجات برقراری چنین مجامعی کاملا امکان دارد. باید آستینها را بالا زد و این همت را نشان داد. بله، اختناق مانع و ریشه اساسی همه این قضایا بوده، اما همانطوریکه گفتم یکی از عوارض همین اختناق

از صفحه ۱ سخنرانی مینا احدی ...

روز جمعه این کنفرانس با اقدامات امنیتی شدید برگزار شد و در ابتدا آقای نلسن مسئول موسسه ای که امکان برگزاری جلسه را فراهم کرده بود، سخنرانی کرد. او گفت من سالها است در زمینه انتگراسیون و ادغام مهاجرین و پناهندگان در جامعه آلمانی کار میکنم و با دیدن فعالیتهای سازمان اکس مسلم و خواندن پیام سیاسی اینها، معتقدم این بهترین راه حل معضلی است که ما با آن روبرو هستیم. ما باید از جهانشمولی حقوق انسانی دفاع کنیم و از سکولاریسم و آزادی بیان پاسداری کنیم. او اضافه کرد که کاری که این سازمان میکنند، کمک بزرگی به جامعه آلمان و به مردم در اروپا است.

روز جمعه این کنفرانس با اقدامات امنیتی شدید برگزار شد و در ابتدا آقای نلسن مسئول موسسه ای که امکان برگزاری جلسه را فراهم کرده بود، سخنرانی کرد. او گفت من سالها است در زمینه انتگراسیون و ادغام مهاجرین و پناهندگان در جامعه آلمانی کار میکنم و با دیدن فعالیتهای سازمان اکس مسلم و خواندن پیام سیاسی اینها، معتقدم این بهترین راه حل معضلی است که ما با آن روبرو هستیم. ما باید از جهانشمولی حقوق انسانی دفاع کنیم و از سکولاریسم و آزادی بیان پاسداری کنیم. او اضافه کرد که کاری که این سازمان میکنند، کمک بزرگی به جامعه آلمان و به مردم در اروپا است.

سپس مینا احدی مسئول سازمان اکس مسلم در یک سخنرانی در مورد علل تشکیل این سازمان، تاثیرات فعالیتهای سیاسی این سازمان در عرصه سیاست در آلمان و اهداف آتی سازمان اکس مسلم حرف زد. مینا احدی گفت:

ما در طول شش ماه گذشته صدای انتقاد و اعتراض خودمان به سیاستهای دولت آلمان و به دخالت سازمانهای تروریست اسلامی در زندگی مردم را به گوش میلیونها نفر رساندیم. این جنبشی است که در حال پیشروی است. اکنون در اسکانديناوی و انگلیس و هلند نیز سازمان اکس مسلم درست شده و ما همگی برای دفاع از حقوق انسانی از سکولاریسم و آزادی ابراز عقیده و بیان حرکت میکنیم. تا هم اکنون ما تاثیرات مثبتی در جامعه آلمان، در دفاع از نقد مذهب و اسلام و اسلام سیاسی داشته ایم. اکنون باید برای

شورای مرکزی سازمان اکس مسلم در آلمان
۱ سپتامبر ۲۰۰۷

پارگفتن و عادت کردن به طرز تلقی های محفلی و مخفی، و سنتهای غلط، و صنفی دیدن مبارزه بوده که باید پیگیرانه با این نوع تلقیات و گرایشات مقابله کرد. *

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب



انجمن مارکس کانادا برگزار میکند

موضوع

مسیر ۱۶ ساله

بررسی سیر تحولات جنبش و حزب کمونیسم کارگری از بدو تشکیل حزب تا امروز در این سمینار موضوعات زیر مورد بحث قرار میگیرد:
شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و جهان در مقطع تشکیل حزب و در شرایط امروز راست و چپ در جامعه: پولاریزاسیون طبقاتی و تبعات آن
جدائنها و انشعابات، مسائل گرهی و زمینه های سیاسی و اجتماعی
تعلییر و واقعیات: نقد نظرات و روایات مدعیان کمونیسم کارگری
موقعیت امروز جنبش کمونیسم کارگری، و جایگاه سیاسی و اجتماعی امروز حزب
حزب، انقلاب، و سوسیالیسم: راه پیموده شده، و راهی که در پیش است

سخنران: حمید تقوایی

زمان: این برنامه در ماه سپتامبر برگزار خواهد شد
زمان و مکان دقیق برنامه بزودی اعلام خواهد شد
ورودی: ۵ دلار
ورود برای عموم آزاد است

marx_can1@yahoo.com

مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی

ترجمه جدیدی از سرمایه، اثر جاودانه مارکس

کتاب سرمایه (کاپیتال) نه یک کتاب درسی اقتصاد، نه شرح جامعی در توصیف یک جامعه سوسیالیستی ایده آل، نه نسخه و نقشه ای برای برپا کردن چنین جامعه ای، بلکه همانطور که از زیرعنوان (سورتیستر) آن پیداست نقدی است بر همین شیوه تولید کاپیتالیستی موجود و بر مفاهیمی که صاحبان و اندیشمندان (توجیه گران) این شیوه تولید با آنها دنیای خود را می فهمند. این نقد نه یک نقد "بیطرف" بلکه نقدی است از دید طبقه مزدبگیری که در این شیوه تولید سهمی جز استثمار و تولید سود برای آن طبقات ندارد. اما علمی بودن آن نیز دقیقاً ناشی از همین است. نگاه خواننده پس از خواندن این کتاب بر جهان متکی بر استثماری که در آن زندگی می کند (شیوه تولید کاپیتالیستی)، بر تاریخ و تاریخ نگاری علمی، بر انسان و بنابراین بر نقش انسان در تغییر این جهان و ساختن تاریخ، دیگر هرگز همان نخواهد بود که پیش از خواندن آن بود. نه تنها تئوری ها و کشفیات کارل مارکس در این کتاب، بلکه حتی شواهد تاریخی که در اثبات آن تئوری ها مطرح می کنند نیز در دنیای امروز ما، با گسترده تر و جهانی تر شدن هر روزه کاپیتالیسم، بیش از پیش در سطح جهان به اثبات رسیده و صرفاً بعد جهانی بخود گرفته اند. همین عمق ریشه ای این نقد است که، علیرغم قدمت صد و چهل ساله، از آن اثری انقلابی و فناپذیر ساخته است.

مترجم همچنین برای آشنا کردن بیشتر خوانندگان با روش دیالکتیکی مارکس و بطور کلی جهان بینی ماتریالیست - تاریخی او، دو ضمیمه در آخر کتاب آورده است. ضمیمه اول "پیشگفتار" بسیار معروف مارکس به کتاب در نقد اقتصاد سیاسی (نشر ۱۸۵۹) است که مارکس آن را در همین ترجمه اینگونه معرفی می کند: "... آنجا که من مبانی روش «یا متد» ماتریالیستی خود را شرح داده ام. و ضمیمه دوم یکی از معروف ترین نامه های مارکس است به ادیب روسی پاول آنتکوف. این نامه به ارائه فشرده ای از کتاب فقر فلسفه او (در پاسخ به کتاب فلسفه فقر نوشته پردون) اختصاص دارد؛ و اهمیت بسزای کتاب اخیر را مارکس خود در همان "پیشگفتار" (ضمیمه اول) روشن ساخته است. اهمیت متدولوژیک این دو ضمیمه تا آنجاست که مترجم در مقدمه خود به خوانندگان توصیه میکند خواندن کتاب را از خواندن آنها شروع کنند.

کتاب سرمایه (کاپیتال) نه یک کتاب درسی اقتصاد، نه شرح جامعی در توصیف یک جامعه سوسیالیستی ایده آل، نه نسخه و نقشه ای برای برپا کردن چنین جامعه ای، بلکه همانطور که از زیرعنوان (سورتیستر) آن پیداست نقدی است بر همین شیوه تولید کاپیتالیستی موجود و بر مفاهیمی که صاحبان و اندیشمندان (توجیه گران) این شیوه تولید با آنها دنیای خود را می فهمند. این نقد نه یک نقد "بیطرف" بلکه نقدی است از دید طبقه مزدبگیری که در این شیوه تولید سهمی جز استثمار و تولید سود برای آن طبقات ندارد. اما علمی بودن آن نیز دقیقاً ناشی از همین است. نگاه خواننده پس از خواندن این کتاب بر جهان متکی بر استثماری که در آن زندگی می کند (شیوه تولید کاپیتالیستی)، بر تاریخ و تاریخ نگاری علمی، بر انسان و بنابراین بر نقش انسان در تغییر این جهان و ساختن تاریخ، دیگر هرگز همان نخواهد بود که پیش از خواندن آن بود. نه تنها تئوری ها و کشفیات کارل مارکس در این کتاب، بلکه حتی شواهد تاریخی که در اثبات آن تئوری ها مطرح می کنند نیز در دنیای امروز ما، با گسترده تر و جهانی تر شدن هر روزه کاپیتالیسم، بیش از پیش در سطح جهان به اثبات رسیده و صرفاً بعد جهانی بخود گرفته اند. همین عمق ریشه ای این نقد است که، علیرغم قدمت صد و چهل ساله، از آن اثری انقلابی و فناپذیر ساخته است.

مبنای این ترجمه، متن جدید انگلیسی ترجمه بن فاکس (نشر پنگوئن، ۱۹۶۷) بوده، اما با ترجمه انگلیسی سال ۱۸۸۶ (به ویراستاری و "مسئولیت کل" فردریک انگلس، هم رزم و همدم چهل ساله مارکس) جمله به جمله، و با ترجمه انگلیسی Eden and Cedar Paul (نشر اول، ۱۹۳۰، نیویورک) بطور کلی مقابله شده است. مترجم همچنین در موارد ناروشن یا وجود اختلاف در این سه متن مختلف انگلیسی، آنها را در وهله اول با اصل آلمانی و سپس با ترجمه های سوئدی و فرانسوی

سوسیالیسم
بیا خیز!
برای
رفع تبعیض

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید

برای خرید کتاب، که در ۹۳۶ صفحه و با بالاترین کیفیت چاپ، کاغذ، صحافی و جلد تهیه شده است، لطفاً با این شماره تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید:

در آمریکا و کانادا با:

۱- بابک یزدی (کانادا و آمریکا):
تلفن: +14167593396
+14164717138

ایمیل: babakyazdi@yahoo.com
۲- زری اصلی (غرب کانادا - ونکوور):

تلفن:
+16047278986

ایمیل: zariasli@yahoo.ca

در اروپا با:

۱- انتشارات نسیم:

تلفن: 46733939170

ایمیل: nasim_info@yahoo.se

۲- جلیل جلیلی (انگلستان):

تلفن: +4479 50924434

ایمیل: jaliliuk@yahoo.com

۳- مهین کوشا (آلمان):

تلفن:
+491732570549

ایمیل: mahinkusha@t-online.de